



۲۰۱۶/۱۱/۱۶



ولی احمد نوری

## استعمال نام «افغانستانی» جرم است و حذف اسم افغان از تذکره تابعیت خیانت است



هم میهنان! صدای مؤدت عیان کشید  
چون مرغ حق ز شاخ محبت فغان کشید  
در منزل شرافت وحدت، شوید جمع  
با دست باهمی همه دشمنان کشید  
(باقی قابلزاده)

نوشته ای را که می خوانید از قلم يك پشتو زبان رقم نشده و نه از احساس تعصب و تفرقه افگنی تراوش کرده است، چه من با وصف آن که از طرف والدین به هر دو قوم شریف افغانستان یعنی پشتون و تاجک منسوب هستم، دری زبانم و نه تنها به این دو قوم و وطن بلکه به همه اقوام این سرزمین آبایی ام می بالم و مباهات می کنم. تفرقه افگنی و صدمه به وحدت ملی را از هر طرفی که باشد با تمام قوت محکوم کرده مردود می شمارم.

با ایجاد افغانستان از طرف آبا و اجداد ما، و با ایثار و فدا کاری و قربانی هزارها تن، این سرزمین پرافتخار آبایی به همت فرزندان و احفاد این مرز و بوم از اشغال و تعرض بیگانگان حفظ گردید. مجاهدین واقعی این میهن آزادگان با فدا نمودن جانهای عزیزشان و با پذیرفتن آوارگی ای خانواده و فرزندان شان باز هم اینوطن آزاده خود را از هر نوع تجاوز و تعرض نجات دادند.

از برای کسب قدرت خدمت غیر می کنند

شرم و عاری نیست یاران، آدم مزدور را

(اصف امانت)

در این چند سال اخیر در بعضی از روزنامه ها و نشریات خارج کشور عده ای در صدد آن اند که اصطلاحات فارسی ایران را به عوض کلمات سچه دری یا کلمات معمول عربی را که در زبان ما از قرن ها به اینطرف عجین

شده است به کار برند که نه تنها خوش آیند نیست، بلکه رنج آور هم است. ولی تعویض کلمه «افغان» به «افغانستانی» بی اندازه نامأنوس و غیر قابل قبول و توهین آمیز است.

این نام مضحک و جعلی در سال های هشتاد میلادی بعد از کودتای فاجعه انگیز کمونیستی در کشور ما و در اثر لجام گسیختگی نشرات جهادی در خارج سرحدات ما گاه گاهی به نظر می رسید، ولی با تأسف تدریجاً با گذشت زمان از طرف دشمنان وحدت ملی و اجیران همسایه های طماع افغانستان بیشتر رائج گردید، تا اینکه از دائرة احترام به کرامت افغانی پا فراتر نهاده و پیوسته در يك تعداد نشرات افغانی خارج به شمول هفته نامه «امید» و دیگر ایرانی مشرب ها و حتی در بعضی نشریه های داخل کشور هم به ملاحظه رسیده موجبات بیزاری و تنفر خاطر را ببار می آورد.

از نگاه حقوق عمومی بین الدول، اصولنامه ها و قوانین اساسی افغانستان منحيث وثایق ملی و اخیراً تصویب لوی جرگه سال ۱۳۸۲ هـ ش (۲۰۰۳ م) منعقد کابل نام «افغان» برای اتباع افغانستان تأیید، تأکید و تصویب شده است. و هر گونه تلاش و اقدام برای از بین بردن این هویت مقدس "افغان" یا حذف اسم "افغان" از تذکره تابعیت افغانستان باید منحيث جرم نابخشودنی و حتی خیانت ملی محسوب گردد.

در میثاق ها و معاهدات بین المللی که افغانستان در پایان آنها امضاء و تعهد کرده است، اتباع افغانستان به نام «افغان» یاد شده اند، نه «افغانستانی». آیا باید این همه میثاق ها، معاهدات و مقالات تعدیل گردند؟ و آیا تعدیل آنها تنها به زعم چند فتنه انگیز و بیگانه پرست مورد قبول جامعه افغانی و بین المللی قرار گرفته می تواند؟

آثار، کتب، نوشته ها و مقالات، تحقیق ها و تیزس های لیسانس و دکتورا ها که از بیشتر از يك قرن در سراسر جهان در باره افغانستان نوشته و چاپ شده است و در مراکز علمی و کتابخانه های معظم جهان وجود دارد و در همه آنها به تبعه افغانستان «افغان» اطلاق شده است، باید تعدیل گردند؟

آیا می شود نام "مستوره افغان" زن ادب پرور، آزادمنش و مبارز راه آزادی زنان افغانستان را بعد از يك صد و چند سال [متولد ۱۲۸۷ هـ ش] تغییر داد و منبع "مستوره افغانستانی" ( ) اش خواند؟

آیا می توان سخنان شعراء و دانشمندان بزرگ افغانستان را، مثل علامه سلجوقی، ملک الشعراء افغانستان در عهد فرخنده ظاهرشاه، استاد بزرگ خلیل الله خلیلی، مؤرخ راستین احمد علی کهزاد، سرور جویا، رحیم الهام، مولوی خسته، صدیق حیا و ... و ... که در باره این زن دانشمند افغان سه ربع قرن پیش، زده اند و یاد او را گرامی داشته اند، به خاطر نوشته و یا گفته چند تن مردمان هرزه و فرومایه تعدیل نمود؟

آیا "خال محمد خسته" از گورش برخیزد و تذکره شعرايش را دوباره بنویسد؟ تا سبب رضایت این مفتنین و دشمنان افغانستان گردد؟

آیا کتاب "پرده نشینان سخنگو" اثر "ماگه رحمانی" که بیش از نیم قرن قبل در کابل به چاپ رسیده، و در هر صفحه و هر پراگرافش بار ها از نام مقدس افغانی و نام مقدس تر افغانستان یاد شده، دوباره طبع گردد؟  
آیا تذکره الشعراء حنیف بلخی را، تحت عنوان «پر طاووس یا شعر دری در آریانا» به خاطر ارضای چند نفر خارجی پرست تجدید چاپ کرد که نام "میر هوتک افغان" به "میر هوتک افغانستانی" عوض گردد؟

با نام بزرگمردی همچو شیخ جمال الدین افغان چه باید کرد؟ آیا منبعد شیخ جمال الدین افغانستانی اش باید خواند؟ نام آن فرهیخته مردی را که "ویکتور هیوگو" بزرگترین شاعر و نویسنده فرانسوی به دوستی او می بالید باید تغییر داد؟ به خاطری که با داران چند نفر خود فروخته، این خیانت را خواسته اند!

(باز هم نفرین بر شما ای فرزندان ناخلف و ناپاک این سرزمین پاک!)

از برای جیفه دنیا و غصب مال و جاه

میکنی بازی به نام نیک افغان، ای شقی!

به لحاظ خدا بیابید این شعاری را که هشتاد و چند سال پیش شاعر نابینای کشور ما مرحوم "باقی قایلزاده" که از هموطنان تشیع ما و از یک قوم با افتخار غیر پشتون است و با چه احساس سروده است، ورد زبان خود سازیم و به آن عمل کنیم:

پشتون و تاجک و قزل و ازبک و مغل این اسم ها ز دفتر ملی روان کشید

فقط به نام ملت افغان ستان، همه آئید جمع و مطلب خود شادمان کشید

در هفته نامه امید شماره (۶۲۶) صفحه ۱۲ ستون اول - حمل ۱۳۸۳ هجری شمسی) از زبان يك مأمور عالی رتبه افغانستان در عوض نام «افغان» کلمه «افغانستانی» به نشر رسیده است. اگر استعمال این کلمه از زبان این مأمور عالی رتبه افغان را خبرنگار ایرانی (ایرنا) جعل کرده باشد و یا از طرف کارکنان جریده امید عمداً چنین تصرفی در خبر مذکور به عمل آمده باشد، اصولاً باید مسئولین اطلاعات و کلتور در برابر آن عکس العمل جدی نشان دهند.

آیا می توان پذیرفت که یکی از وکلای مردم افغانستان یعنی [افغان ها] در ولسی جرگه "آقای لطیف پدram" همکار نزدیک داکتر نجیب الله در رژیم منحط کمونیستی که به (ایرانوفیل) ( ) شهرت دارد، در تجمعات و یا به اصطلاح خودشان در نشست های ایرانی ها در فرانسه هیچ وقت نام «افغان» را برای تبعه افغانستان به کار نبرد و یا مثل ایرانی ها «افغانی» بگوید که نام (واحد پول) افغانستان است نه نام تبعه آن! و یا «افغانستانی» بگوید که کلمه نامأنوس و غیر قابل قبول است؟ و با آنها خود را برای وکالت مردم افغانستان کاندید نماید.

آیا می شود که اتباع ایران، ازبکستان، تاجکستان، ترکمنستان و قرغزستان و . . . را به نام ایرانستانی، ازبکستانی، ترکمنستانی، و قرغزستانی یاد کرد؟ شاید الهام از کلمه پاکستانی باشد و یا هندوستانی. ولی این «ستانی» تا «ستانی» [پسوند] رائج شود، هر ولایت افغانستان خود را با ایزاد «ستانی» (فلان ستانی) خواهند نامید. چنانچه چندین بار کوشش شده است که نام هزاره جات ما را به «هزارستان» عوض کنند و مزار را به «مزارستان» تجدید نام کنند.

نام «افغان» برای اتباع کشور افغانستان به رویت اسناد، کتب و نوشته های تاریخی بیشتر از دو صد سال سابقه دارد. از دوره (احمدشاه درانی) تا عصر (حامد کرزی) همین نام «افغان» برای اتباع این کشور قبول شده بود و اکنون هم در زعامت اشرف غنی از طرف یک اکثریت عظیم مردم قبول شده است. در سال ۱۹۲۱ میلادی این نام برای اولین بار به صورت رسمی به حیث نام تبعه افغانستان در وثیقه ملی کشور ما به نام نظامنامه ملی از طرف لوی جرگه

پغمان که تحت زعامت اعلیحضرت امان الله خان افتتاح و تشکیل گردیده بود، تأیید و رسماً پذیرفته شد. بعداً هم در قوانین اساسی که درین عصر با شکوه پایه گذاری شده همین نام «افغان» برای اتباع کشور ما به کار رفته است.

در آغاز قرن بیست و یکم باز هم لویه جرگه تاریخی ۱۳۸۲ هجری شمسی (۲۰۰۳ میلادی) که برای تأیید قانون اساسی در کابل پایتخت افغانستان منعقد گردید، تبعه این مرز و بوم را «افغان» خواند.

در متن قانون اساسی ۱۳۴۳ هجری شمسی. (۱۹۶۴ میلادی) دهه (طلایی) دموکراسی در عصر شاهی مشروطه تحت زعامت اعلیحضرت (محمد ظاهر شاه) که قانون اساسی امروزی از آن استنباط گردیده، نام «افغان» برای تبعه افغانستان بیشتر از ده مرتبه به کار رفته است.

ما افغان ها همان طوری که مکلفیت داریم از حقوق خویش بر اساس احکام و مواد این وثیقه ملی حفاظت و حمایت نماییم، باید همانطور مکلف باشیم که وجایب و وظایف خویش را نیز طبق احکام و مواد این وثیقه ملی احترام و اجراء نماییم، که به کار بردن نام «افغان» برای اتباع افغانستان یکی ازین وجایب است. [ . . . بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می شود. . . ] ( بند سوم ماده چهارم فصل اول قانون اساسی افغانستان). و با بی احترامی به آن باید از طرف قانون و دیوان عالی قضاء و مردم مواخذه گردیم.

چراغ عقل را گر ما به مغز خود بر افروزیم

نباید کرد کاری برخلاف رأی این ملت

(سید حسن آشفته باختری)

اقبال لاهوری شاعر متفکر نیم قاره در آغاز قرن بیستم گفته است:

آسیا يك پيكر آب و گل است

ملت افغان در آن پيكر دل است



آیا همین کافی نیست که ما همه باشندگان این کشور، از هر قوم و تباری که باشیم، به «افغان» بودن خود افتخار نماییم؟

من این مقال را روی صفحه جهانی انترنت می گذارم تا تمام افغان ها در هر گوشه و کنار جهان که باشند آنرا مطالعه نمایند، و آرزو دارم برای يك بار سنت مطبوعاتی را شکسته و این نوشته را در همه نشرات افغانی، روزنامه ها، مجلات، هفته نامه ها، و ماه نامه های داخل و خارج افغانستان به چاپ برسانیم تا مردم نجیب افغان متوجه اهمیت این موضوع گردند.

در انجام باز هم تکرار می کنم که من این نظر را از راه تعصب ننوشته ام، من دری زبان هستم ولی به هر دو زبان نه تنها احترام دارم بلکه به آنها عشق می ورزم و اکثر مقالات، نوشته ها و آثاری که به طبع رسانیده ام یا زیر طبع است به زبان دری نوشته ام، و سوگند یاد می کنم که از تفرقه اندازی نفرت دارم.

ختم

\*\* \* \*\*

تبصره :

این نوشته در ماه می ۲۰۰۴ میلادی در اکثر وبسایت های جهانی انترنت گذاشته شده است و در ماه های می و جون ۲۰۰۴م در نشرات آتی افغانی در اقصای جهان چاپ گردید:

جریده ( اراده ) چاپ شهر کابل

جریده (زرنگار) چاپ شهر مانتریال کانادا

جریده (افغان رساله) چاپ شهر آنتاریوی کانادا

جریده ملی (افغانی تولنه) (مياشتنی ملی خپرونه) په پشاور کبني

جریده (کیوان) چاپ شهر سانفرانسیسکو ایضاح متحده امریکا

هفته نامه (امید) شماره ۶۳۲ چاپ شهر الکسندریه ایضاح متحده امریکا

مجله (عقاب آریانا) شماره ۸۰ چاپ شهر میونشن جمهوریت فدرال آلمان

مجله (آئینه افغانستان) شماره ۹۵ چاپ شهر مان کلیر ایضاح متحده امریکا

مجله (درد دل افغان) چاپ شهر کانکورد کلیفورنیای ایضاح متحده امریکا

مجله (صلح و افغانستان امروز) شماره ۱۴ چاپ شهر بن جمهوریت فدرال آلمان

۲۰۰۴/۰۵/۰۱